



انترناسیونال ۲۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲ شهریور ۱۳۸۶، ۲۴ اگوست ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



اینجا جلوی چشم کودکان خردسال اعدام میکنند!

مردم آزاده جهان: علیه موج جدید سرکوب
مردم ایران به میدان بیایید!

مردم آزادیخواه، سازمانهای مدافع حقوق انسان، کارگران همه کشورها! تصویر به حد کافی گویا است. جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای بقا، موجی از اعدام (در ملاء عام و نمایش آن از تلویزیون)، سرکوب هرروزه زنان و جوانان به بهانه حجاب و آرایش، اعمال شکنجه های وحشیانه علیه دانشجویان در بند و زندانیان سیاسی، راه انداختن

صفحه ۸

کمپین علیه موج اعدام ها در ایران ادامه دارد! ملاقات با نماینده پارلمان سوئد!

صفحه ۸

نامه بهروز مهر آبادی

سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
به سازمان عفو بین المللی و سازمانهای آزادیخواه و
انساندوست در سراسر جهان



تاریخ: ۲۳ اوت ۲۰۰۷
به: سازمان عفو بین المللی و سازمانهای آزادیخواه و انساندوست در سراسر جهان
موج جدیدی از سرکوب از چند ماه قبل در دستور گذاشته است. اعدام ها بسیار گسترده تر شده، دستگیری

صفحه ۲

جمهوری اسلامی برای مقابله با

کنفرانس سالانه
تشکیلات گوتنبرگ
و آلمان

صفحات ۲ و ۷

پیام خلیل کیوان به کنفرانس
سالانه اعضا در آلمان

صفحه ۳

نامه شهلا دانشفر به سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان



تاریخ: ۲۳ اوت ۲۰۰۷
به سازمانها و اتحادیه های کارگری جهان
دوستان عزیز،

از اقدام جهانی شما در روز ۹ اوت عمیقاً باید قدردانی کرد. این اقدامات هرچند به آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو منجر نشد، اما پشتوانه مهمی برای جنبش کارگری ایران، و برای رهبران کارگری است که دائماً در معرض تهدید و دستگیری و اذیت و آزار جمهوری اسلامی قرار دارند. ما تردیدی نداریم که با گسترش این اقدامات جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی میشود و جنبش کارگری در ایران قدم

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **نامه شهلا دانشفر ...****کنفرانس سالانه تشکیلات گوتنبرگ حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد**

کنندگان در کنفرانس فعالانه در مباحث شرکت و اظهار نظر کردند. کنفرانس ضمن تأیید موفقیت‌های بزرگ تشکیلات به بررسی موانع و مشکلات و همچنین اولویتهای دور آتی پرداخت.

آخرین دستور کنفرانس انتخابات برای کمیته گوتنبرگ بود. رفقا: صابر نوری، عبدالله اسدی، بهروز مهربادی، منصور فرزاد، نوید مینایی، نازنین صدیقی، بهرام جهانیش، سوسن صابری، زرگار رضایی، دنیس آزاد، آناهیتا ناصر و حسن پناهی بعنوان کمیته گوتنبرگ حزب انتخاب شدند.

بلافاصله پس از کنفرانس جلسه کمیته منتخب کنفرانس برگزار شد. در این جلسه رفقا صابر نوری و منصور فرزاد به ترتیب به عنوان دبیر کمیته و خزانه دار انتخاب شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران-گوتنبرگ ۱۹ اوت ۲۰۰۷

قدرت تشکیلات حزب در شهر گوتنبرگ در دوره گذشته به سخنرانی پرداخت. سپس حسن صالحی دبیر تشکیلات سوئد حزب کمونیست



کارگری ایران به یک ارزیابی تحلیلی از نحوه فعالیت ما در خارج کشور پرداخت و بر اهمیت بسیج وسیع‌ترین نیروی اجتماعی در مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور تأکید کرد.

کنفرانس پس از شنیدن گزارش دبیر از فعالیتهای دوره گذشته تشکیلات گوتنبرگ، به بحث و گفتگو حول آن پرداخت. شرکت

کنفرانس سالیانه تشکیلات گوتنبرگ حزب کمونیست کارگری با شرکت اعضا و کادرهای حزب در این شهر در تاریخ ۱۹ اوت ۲۰۰۷ برگزار

شد. کنفرانس با پخش سرود انترناسیونال و اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جانب‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم و بیاد بنیانگذار حزب منصور حکمت آغاز بکار کرد. ابتدا بهروز مهربادی دبیر کمیته گوتنبرگ حزب ضمن خوش آمدگویی به حضار در مورد موقعیت حزب در متن اوضاع سیاسی و نقاط ضعف و

از صفحه ۱ **نامه بهروز مهر آبادی ...**

ها شدت یافته، سرکوب زنان و جوانان ابعادش وسیعتر و بسیار بیرحمانه تر از سابق شده، تعداد زیادی از معلمان دستگیر و یا تبعید و به حبس‌های طولانی محکوم شده، فعالین کارگری بسیاری به زندان و حتی شلاق محکوم شده و بویژه فشار بر زندانیان سیاسی چند برابر شده است. شکنجه زندانیان سیاسی،

بدرفتاری بیشتر، محکومیت‌های طولانی‌تر، و حتی مواردی از اعدام زندانیان سیاسی بخشی از موج جدید سرکوب توسط حکومت اسلامی است. و این توجه ویژه سازمان عفو بین الملل و تمام سازمانهای مدافع حقوق انسان را طلب میکند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از عفو بین المللی و همه سازمانهای انساندوست و آزادیخواه در سراسر جهان میخواهد که با اقدامات اضطراری جمهوری اسلامی را زیر فشار قرار دهند و اجازه ندهند که جمهوری اسلامی بار دیگر زندانیان سیاسی را شکنجه کند و یا به اعدام آنها بپردازد.

جهت اطلاع تنها در چند هفته اخیر بیش از ۵۰ نفر تحت عنوان "اراذل و اوباش" و "متجاوزین به

نوامیس مردم" در شهرهای مختلف ایران اعدام شده‌اند. همچنین تعداد بیشتری در لیست اعدام قرار دارند که از جمله دو نفر آنها دو خبرنگار از شهر میروان هستند. این فضا خطر اعدام را بر روی سر زندانیان سیاسی قرار داده است و در میان زندانیان سیاسی این نگرانی شکل گرفته است.

تعدادی از زندانیان سیاسی از زندانهای اوین و گوهردشت از ما خواسته‌اند با شما در مورد اعزام هیئتی به ایران برای بازدید از زندانیان سیاسی صحبت کنیم. تصور ما این است که این اقدام بسیار ضروری است. ما امیدواریم به این تقاضای زندانیان پاسخ مثبت دهید و هیئتی به ایران بفرستید. دانشا بر وضعیت زندانیان در زندانهای جمهوری اسلامی نظارت داشته باشید. این پشتوانه مهمی برای زندانیان سیاسی در ایران است که در سطح بین المللی سازمانها و نهادهای دانشا موقعیت آنها را تحت نظر داشته باشند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه سازمانهای مدافع حقوق انسان، از سازمانهای

کارگری ایران و حزب کمونیست ایران و ... به دو سال و نیم زندان محکوم شدند.

۱۱ نفر دیگر از مسئولین این اتحادیه: خالد سواری، اقبال لطیفی، یدالله مرادی، طیب ملاحی، فارس گویلیان، صدیق امجدی، عباس اندریاری، حبیب‌الله کلکانی، محی‌الدین رجبی، طیب چتانی و صدیق صبحانی در تجمع اول مه در شهر سنجید دستگیر و به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به ۹۱ روز زندان و ۱۰ ضربه شلاق محکوم شدند.

برای جلوگیری از گسترش مجدد اعتراضات معلمان که با شروع مدارس در ماه آینده شروع میشود، تعدادی از فعالین معلمان، به دادگاه کشیده شده‌اند. علیرضا هاشمی دبیر کل سازمان معلمان به اتهام تحریک معلمان به اعتصاب، تجمع و تحسن و "اخلال در امنیت کشور"، به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شده، سیدهاشم خواستار وهادی لطفی نیا از فعالین معلمان مشهد با اتهامات

مشابهی، محاکمه شده‌اند و از ایرج تویبهای نجف آبادی خواسته شده است که ظرف ده روز دفاعیه خود را به اداره حراست (سازمان انتظامی حکومت در کارخانجات و محیط های کار برای کنترل کارگران) ارائه کند.

و بالاخره محمود صالحی علیرغم وضعیت جسمی وخیم بعد از ۵ ماه و منصور اسانلو پس از یکماه از ربه‌ده شدن همچنان در زندان بسر میبرند.

دست همکاری شما را میفشاریم و انتظار داریم به اقدامات خود در دفاع از طبقه کارگر و مردم ایران شدت بیشتری بدهید. اقدامات شما موجب روحیه نوینی در میان مردم و بویژه طبقه کارگر شده است. ما به سهم خود برای بسیج افکار عمومی جهانی در این زمینه همه تلاش خود را بکار میبریم و تردیدی نداریم که جمهوری اسلامی را به کمک شما به عقب خواهیم راند.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران

هماهنگ کننده شهلا دانشفر

تجمعات فزاینده کارگران و به منظور عقب راندن فضای اعتراضی در جامعه میباید. حکومت قصد دارد مردم را مرعوب کند. بدین منظور چوبه‌های دار را در اکثر شهرها دایر کرده و در هفته‌های اخیر دهها نفر را در ملا عام اعدام کرده است. دستگیری‌ها را گسترش داده، شلاق و شکنجه را برای زندانیان سیاسی و رهبران کارگری در دستور قرار داده است. به اقدام جهانی ۹ اوت دهن کچی کرده و تعداد دیگری از رهبران کارگری را نیز به دادگاه کشانده است تا سازمانهای کارگری و افکار عمومی مردم جهان از اقدامات خود مایوس شوند و احساس بیهودگی کنند و از صحنه خارج شوند. اما جمهوری اسلامی بدلیل بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی و تنفر عمومی مردم ایران و انزوای جهانی موقعیت بسیار شکننده ای دارد و اقدامات جهانی از نوع ۱۵ سپتامبر سال قبل و ۹ اوت امسال بسیار موثر است و فشار قابل توجهی بر جمهوری اسلامی است.

لازم است به اطلاع برسانیم که تنها در فاصله چند هفته گذشته جمهوری اسلامی اقدامات زیر را علیه رهبران کارگری عملی کرده است:

روز ۹ اوت، همزمان با اقدام جهانی برای آزادی محمود صالحی و منصور اسانلو، ۵ نفر از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به اسامی ابراهیم مددی، یعقوب سلیمی، ابراهیم نوذری گوهری، سید داود رضوی، همایون جابری و دونفر دیگر به نامهای طاهر صادقی و فاطمه حاجیلو به اتهام دست زدن به تجمع، دستگیر شدند. سه نفر از این دستگیر شدگان در روزهای ۲۱ و ۲۲ اوت از زندان آزاد شدند و ۴ نفر دیگر به اسامی ابراهیم مددی، یعقوب سلیمی و سید داود رضوی و همایون جابری در زندان اوین در بند ۴۰ به سر می‌برند.

شیث امانی رئیس اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار و صدیق کریمی عضو هیئت مدیره این اتحادیه به اتهام "اخلال در نظم عمومی"، اقدام علیه امنیت ملی"، جمع آوری کمک مالی برای خانواده محمود صالحی، عضویت در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، ارتباط با حزب کمونیست

کارگری و همه مردم آزادیخواه در سراسر جهان میخواهد به این موقعیت ویژه زندانیان سیاسی در ایران توجه ویژه ای مبذول دارند و به هرشکل که میتوانند در مقابل تهاجم اخیر جمهوری اسلامی قاطعانه مقابله کنند و آنرا برای مطالبات زیر تحت فشار قرار دهند:

۱- آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی.

۲- پایان دادن به شکنجه و هرنوع اذیت و آزار زندانیان تحت هر عنوانی

۳- پایان دادن به اعدام ها و فضای ارعاب و تهدید در جامعه و لغو همه احکام اعدام کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از سازمان عفو بین الملل و همه سازمانهای آزادیخواه در سراسر جهان انتظار دارد که با در دستور گذاشتن یک اقدام جهانی، در برابر این تهاجم جمهوری اسلامی به مردم ایران و مبارزات برحق آنان عکس العملی قاطع نشان دهند و کاهش فشار بر آنان جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند.

سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بهروز مهربادی

پیام خلیل کیوان، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب به کنفرانس سالانه اعضا حزب در آلمان



حزب را در آلمان به یک نیروی مستحکم تر و متصل بجامعه بدل خواهد کرد.

۵- توجه و تقویت سازمان حزب یک وظیفه عاجل ماست برای ما حزب فقط یک ابزار مبارزه نیست. قابل جایگزین با ابزارهای دیگر نیست. سلاح استراتژیک ما است. جنبش های دیگر به اندازه ما به این سلاح نیاز ندارند. برای جنبش های اجتماعی دیگر که از انبیا سنن پوسیده و خرافی و از تحمق و فریب استفاده میکنند و از امکانات مادی گسترده ای بهره مندند، تحزب چندان ضروری نیست. برای ما تحزب حیاتی است. بنابراین، مراقبت از حزب باید بیش از پیش مورد توجه ما قرار گیرد. کارکرد منظم روتین ها و عملکردهای سازمان حزبی، رعایت اصول و مقررات حزبی امر تک تک ما بشود. باز تولید حزب امر روزانه ماست. ما در حال نبردیم. در این نبرد، اسلحه ما حزب ماست. باید از آن مراقبت شود. دائما حدادی شود. عملکرد کمیته کشوری، کمیته ها و واحدهای شهری، رعایت اصول و مقررات مربوط به کارها و راه اندازی مجدد مدرسه حزبی از اهم موضوعاتی است که در دوره آتی باید به دقت به آنها رسیدگی شود.

رفقا، کنفرانس به جوانب مختلف کار و فعالیت ما در آلمان خواهد پرداخت و راه کارهای پیشرفت را جستجو خواهد کرد. در این یادداشت تلاش کردم محورهای را که لازم است کنفرانس و رهبری آینده به آنها توجه کنند با شما در میان بگذارم. امیدوارم مورد توجه شما قرار گیرد.

برای کنفرانس شما آرزوی موفقیت دارم
دبیر تشکیلات خارج کشور حزب
کمونست کارگری ایران
خلیل کیوان
۱۸ اوت ۲۰۰۷

شدت و ضعف، سریع و یا آهسته در حال انجام است. اما دوره هائی هست که فرجه ها و فرصت های طلایی برای پیشروی در جبهه ها و عرصه های معینی فراهم میگردد که عدم درک آنها باعث از دست دادن فرصت ها میگردد. تمام هنر رهبری این است که در عین حال که کل نقشه فعالیت را در دست دارد، از درایت، سرعت عمل و از نرمش کافی برای شیف کردن و تمرکز نیرو بر مسائل اصلی دوره ای برخوردار باشد. باید اولویت های هر دوره را تشخیص دهیم. در آلمان به این مساله باید توجه کافی شود.

۴- مکانیسم های رابطه با جامعه را تقویت کنیم
باید این مکانیسم ها را بهتر بشناسیم و از آنها برای تاثیر گذاری بیشتر بر جامعه و تقویت حزب و گسترش سازمان آن، استفاده کنیم. در سالهای گذشته، ما به مکانیسم های رابطه با جامعه توجه بیشتری داشته ایم. در آلمان در برخی زمینه ها با بکارگیری مکانیسم ها و یا ایجاد نهادهایی مناسب مثل "آکس مسلم" در مبارزه علیه اسلام سیاسی و یا برگزاری کنفرانس بزرگ علیه قتل های ناموسی، راه کارهای جدیدی را پیش رو گذاشتیم و در نتیجه تغییر محسوسی در کارمان ایجاد شده است. اما اینها هنوز کافی نیست. ما به نهادهای بیشتر و فعال تر، به ابزارهای لازم دیگر نیاز داریم. بعلاوه، همین حد از بهبود در مکانیسم ها، بحد کافی دست مایه ای برای تقویت سیاسی و بویژه سازمانی حزب منجر نشده است. هنوز برای تماس و تاثیرگذاری بر ده ها هزار مهاجرین ایرانی از ابزارهای مناسب برخوردار نیستیم. هر جا ممکن است باید این ابزار ها را ایجاد کنیم. حزب از نهادهای جانبی متعددی برخوردار است. اغلب آنها شناخته شده ند. در آلمان توجه کافی به آنها نشده است. یک امر رهبری آتی تشکیلات آلمان توجه به این مکانیسم ها، تقویت نهاد های موجود و یا ایجاد و راه اندازی آنها باید باشد. چندین نهاد موثر و اجتماعی با کارهای توانا و شناخته شده که هدایت آنها را بعهده دارند،

بنابراین، شکل دادن به رهبری مورد نظر، از کلیدی ترین اهداف ما باید باشد. و این قبل از هر چیز به تصمیم رفقائی که این نیاز را درک کرده باشند، از کالیبر و پتانسیل لازم برای انجام وظایف رهبری برخوردار باشند، رفقائی که بخواهند، تصمیم بگیرند و آگاهانه برای تامین آن گام بردارند، گره خورده است. این یک جهت گیری اساسی ما در این کنفرانس و دور آتی فعالیت مان باید باشد.

۲- باید سبک کارمان را بهبود ببخشیم
رهبری منتخب لازم است به این امر توجه ویژه داشته باشد. اعضا کمیته رهبری تشکیلات آلمان ضروری است که سبک کار بازتری را اتخاذ کنند. بنویسند، سخنرانی کنند، برای هر عرصه از کار طرح و نقشه داشته باشند. هم در بعد سیاسی و هم در بعد تشکیلاتی در قامت رهبران ظاهر شوند. رهبری تشکیلات آلمان میبایست برای ده ها هزار مهاجرین ایرانی شناخته شده باشد. باید تعداد بیشتری از کادرهای حزب در بعد فرا کشوری نیز شناخته شده باشند. اینها از ملزومات تامین رهبری مورد نظر است. اتخاذ این سبک کار توسط کمیته رهبری منتخب لازم و حیاتی است و تسری آن در سراسر تشکیلات آلمان یک وظیفه فوری آن میباید.

۳- فوکوس های هر دوره را مشخص کنیم
ما در جبهه ها و عرصه های متنوعی فعالیت میکنیم. همواره رنگین کمائی از وظایف مختلف، با

اندازیهای اسلام سیاسی به زندگی مردم، دفاع از حقوق زنان و کودکان، تلاش برای دفاع آزادی زندانیان سیاسی، جلب پشتیبانی از مبارزات کارگران و مردم ایران، ایجاد سدی برای حضور علنی سران جنایتکار جمهوری اسلامی ایران در آن کشور، افشا و در تنگنا قرار دادن نسبیت فرهنگی، فعالیت علیه قتل های ناموسی، اشاعه مارکسیسم، دفاع از حقوق پناهندگی و غیره بوده است. همه اینها غرور آفرین و قابل تقدیر است. تک تک شما بخاطر این فعالیت ها میباید احساس غرور کنید.

اما، سازمان ما در آلمان از پتانسیل بمراتب بیشتری برخوردار است. تشکیلات حزب در آلمان میتواند در پیشروی و تحقق سیاست ها و اهداف حزب در خارج نقش اساسی تری داشته باشد، مشروط بر اینکه این موقعیت و جایگاه را در یابد. بر آن واقف باشد. توان خود را باور کند. برای ایفای نقش پیشروتر، موثرتر و تعیین کننده تر خیز بردارد. ملزومات این مساله در گرو توجه به این نکات است:

۱- تامین یک رهبری سیاسی تشکیلاتی با اتوریته در راس تشکیلات اساسی است
تامین یک رهبری سیاسی تشکیلاتی روشن بین، با اعتماد بنفس، منسجم، هم افق، متحد و با اتوریته که نقشه عمل واحدی را پیش رو گذارد و با انرژی برای آن کار کند، از اساسی ترین این ملزومات است. بدون تامین چنین رهبری نمیتوان به اهداف مورد نظر دست یافت.

رفقای عزیز
برگزاری کنفرانس را به شما صمیمانه تبریک میگوم. برای شما آرزوی کنفرانسی پر بار و موفق دارم. به همه شما بخاطر تلاش هایتان در جهت تحقق سیاست ها و آرمانهای انسانی، بخاطر فداکاریها و حضور دائمی تان در صحنه و پاسخ به فراخوان های حزب درود میفرستم. جا دارد از رهبری تشکیلات آلمان و رفیق محمد شکوهی دبیر تشکیلات آلمان به پاس تلاشهای دائمی شان برای انجام وظایف حزبی و هدایت تشکیلات قدردانی شود.

رفقا، نقش و جایگاه تشکیلات آلمان حزب در فعالیت های حزب در خارج کشور، بسیار مهم است. تشکیلات آلمان با توجه به اینکه از نظر تعداد عضو و گستردگی غنی است، سابقه فعالیت های درخشان داشته است، بدلیل اینکه آلمان از نظر سیاسی در اروپا و جهان کشوری با اهمیت است، از این رو که جمعیت قابل توجهی از مهاجرین ایرانی در این کشور زندگی میکنند- که این خود زمینه کار گسترده ای را ایجاد کرده است- یکی از ستونهای سازمان حزب در خارج کشور است. فعالیت تشکیلات آلمان علیرغم هر کم کاستی که داشته است، کارنامه و لیستی طولانی از اقدامات با ارزش در زمینه های مختلفی چون مبارزه علیه دست

کمک مالی به تلویزیون

| | |
|---------------|----------|
| نوشا | ۳۰۰ دلار |
| برادران اهواز | ۲۵۰ دلار |
| یاسمن | ۱۰۰ دلار |
| وفا تبریزی | ۱۰۰ دلار |
| حسین | ۵۰ دلار |
| آزاد | ۵۰ دلار |
| نینا | ۲۵ دلار |
| شهرام | ۵۰ دلار |
| نیما آزاده | ۵۰ دلار |

این مبلغ توسط ستار نوری زاده جمع آوری شده است.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

از میان نامه ها و سئوالات

از میان نامه ها در باره تلوژیون حزب

خلاصه خیلی خوشحال کننده است

تلوژیون در همین فاصله جای خود را بسیار باز کرده است. جالب است که در همین مدت تعداد زیادی از همکاران و دوستانی که فکرش را نمی کردم آمده اند و به من کانال جدید را به عنوان کانالی که برنامه هایش ویژه است و دیدنی معرفی کرده اند و تشویق کرده اند که این کانال را ببینم. بسیاری از دوستانی که ماهواره هایشان را جمع کرده بودند، دوباره آنرا بخاطر هات برد بکار انداخته اند. در بحث ها خیلی جاها می بینیم که از بحث هایی که در کانال جدید شده نمونه می آورند. خلاصه خیلی خوشحال کننده است. مرتضی از تهران

من از جنوب تماس میگیرم

من از جنوب تماس میگیرم. در محل کارم خیلی ها را برخورد کردم که تلوژیون را میگیرند. به هم معرفی میکنند. یکی از همکارانم میگفت بخاطر دیدن برنامه های کانال جدید در خانواده ما بحث بر پا شده و من خودم بعضا مجبورم شب دیروقت بنشینم و بعضی برنامه ها را که میگذارد ببینم. واقعا عالیست دستتان درد نکند. امید از جنوب

به امید یک دنیای بهتر

با سلام من گالکسی از تهران هستم. قطعنامه کمپین علیه جنایات رژیم را امضا میکنم. و موافقت کامل خودم را با آن اعلام میدارم. ممنون از زحمات شما. امیدوارم هر چه زودتر شاهد نتیجه دادن مثبت این زحمات باشیم. پیروز و سربلند باشید. به امید یک دنیای بهتر

علیه مذهب

بیشتر صحبت کنید

سلام از شیراز زنگ میزنم. مسجید هستم. برنامه هایتان عالیست. من به سهم خودم تلاش میکنم با برنامه شما، برنامه کارگران همکاری کنم و شما را در جریان اخبار و مسایل بگذارم. برنامه علیه

مذهب بسیار جالب است و در این مورد بیشتر صحبت داشته باشید در کانال جدید. مطمئن باشید بینندگان شما بیشتر خواهد شد.

نامه ای به مریم نمازی

مریم عزیز با تشکر فراوان و خوشحالم که به من جواب دادی در حال حاضر درجه ای از بی اعتنایی در باره ایران، مخصوصا در باره نحوه برخورد رژیم به لیبرالها و کمونیستها وجود دارد.

آیا ممکن است در باره جزئیات این موضوع که سرکوب علیه نیروهای دموکرات و نیروهای سیاسی چه معنایی دارد مطلع شد؟ همچنین آیا یکی از رهبری حزب کمونیست کارگری میتواند به این سوال، البته یک سوال پیچیده، جواب بدهد؟ آیا این معنا دارد که لیبرالهای هندوستان از احمدی نژاد حمایت کنند؟ خیلی از این جریانان این کار را میکنند. آیا این اصلا به اهداف وسیع مردم ایران کمک میکند؟

خیلی از از کمکهایتان متشکرم با صمیمانه ترین احترامها
سیمما

سیمای عزیز

همین ای میل را به حمید تقوایی، لیدر حزب کمونیست کارگری ایران؛ محسن ابراهیمی، سردبیر هفته نامه فارسی حزب؛ مصطفی صابر، رئیس دفتر سیاسی ارسال میکنم. امیدوارم یکی از این رفقا فرصت و امکان داشته باشند به سوال شما جواب بدهند. ... من در چند هفته آینده به خاطر شرکت در چند کنفرانس و میتینگ در دسترس نخواهم بود و ممکن است نتوانم به موقع به شما جواب بدهم. تمام تلاش را خواهم کرد.

با بهترین آرزوها

مریم

این نامه در آخرین لحظات صفحه بندی انترناسیونال بدستمان رسید. پاسخ این نامه در شماره بعدی چاپ خواهد شد.
انترناسیونال

از میان سئوالات جلسه اینترنتی هفتگی حمید تقوایی

این متن را ناصر احمدی
پیاده و تایپ کرده است

باز هم در مورد سلبی بودن انقلاب و خصلت انتقادی و نفی ای سوسیالیسم

جنشیه هادیان: الان شما و رهبری حزب کمونیست کارگری مدتها است که روی این میگوئید و میگوئید که ما وارد فاز جدیدی شده ایم، و با آوردن فاکتتهایی از قبیل شعارهایی که کارگران و زنان و دانشجویان و معلمین بلند میکنند، و با اشاره به سرود انترناسیونال که بمناسبتهای مختلفی در اینجا و آنجا خوانده میشود، شما اینها را مستنداتی میگیرید تا بگویید که ما وارد فاز جدیدی شده ایم که اثباتا راجع به سوسیالیسم حرف بزیم، اثباتا که میگویم نه بعنوان اینکه نقشه و بقول فرنگی ها "بلوپرینت"، و بقول ایرانیها "چاپ از لایت" جامعه سوسیالیستی را عرضه نکنید، نه! بلکه به این معنی که بگویید که تا به آنجایی که بما مربوط میشود تلاشمان را میکنیم برای اینکه انقلاب سوسیالیستی باشد. آنوقت ما میبینیم منتقدینی با سرود صدای فراوان و با هیجان زیادی بطور خارج از متن نقل قولهایی از منصور حکمت میاورند، مثلا این جمله که منصور میگفت در یک جنبش نفی ای یا سلبی که انقلاب ما نیز هم اکنون در آن مرحله قرار دارد یعنی در مرحله نفی جمهوری اسلامی است، میگویند که طبق گفته منصور حکمت در این مرحله اگر از سوسیالیسم حرف بزیم سم است. بله و ما میدانیم که این جمله از منصور حکمت است ولی شما لطفا توضیح بدهید که آیا همانظوری که گفتم اینها خارج از متن است که نقل قول میکنند یا نه؟ و اینکه شما با توجه به این گفته منصور حکمت روی چه حسابی آن فاکتتها را که شعار سوسیالیسم یا بربریت بلند میکنند و سرود انترناسیونال میخوانند را مطرح کردید؟

حمید تقوایی: بله، خیلی متشکرم، سوالی است که من در موقعیتهای دیگری هم جواب داده ام اما خیلی بجا بود که در همین بحث منصور

حکمت و سوسیالیسم هم طرح شد. منصور حکمت در بحثی که به سلبی و اثباتی معروف است عنوان میکنند که اساسا هر انقلابی یک حرکت نقدی و نفی و سلبی است، یک حرکتی است که میگوید چیزهایی نباشند و نمیخواهیم، و مردم به یک چیزهایی اعتراض دارند و نقد دارند. اساسا انقلاب با اعتراض شروع میشود و نه بخاطر اهداف اثباتی که مردم میخواهند بیاورند بلکه میخواهند نظمی را و شرایط اسارتی را برهم بریزند، و به این خاطر است که انقلاب میکنند و بهمین خاطر است که انقلاب یک اعتراض است و یک انتقاد است و یک نقد است، و به همین اعتبار هم هست که میگوید اگر کسی درروز قیام و انقلاب و یا در یک تظاهراتی شعار سوسیالیسم را بعنوان یک پرچم اثباتی بلند کند این غلط است و این سم است، و هر شعار اثباتی دیگری هم که در تظاهرات و در اعتراض و در قیامی، و یا در دل یک انقلابی طرح شود اشتباه است، و طبعاً در این تردیدی نیست، اما مسئله در اینجا است که وقتی از سوسیالیسم صحبت میکنم خود سوسیالیسم را هم میشود دو جور طرح کرد. در یک حالت میتوان سوسیالیسم را بعنوان نقشه و برنامه ای برای دنیای آتی طرح کرد، یعنی میزان ساعات کار و دستمزدها چقدر است، بودجه را از کجا میآوریم و سیاستهایمان چگونه خواهند بود، این را در سطح ترویجی و غیره هم میتوان مطرح کرد ولی دردل انقلاب طرح اینها راه بجایی نمیرسد. این یعنی طرح اثباتی سوسیالیسم که راستش در ادبیات مارکسیستی هم خیلی کم اینجوری طرح شده است، و ۹۹ درصد نوشته های کلاسیک مارکسیستی از مارکس، انگلس و لنین، و از سایر رهبران مارکسیستی و چپ صرفا در نقد جامعه سرمایه داری طرح شده است، حال این نقدها یا از جنبه اقتصادی و یا از جنبه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بوده و غیره، بهرحال همه شان در نقد و اعتراض بوده است، و شما خیلی کم میتوانید پیدا کنید که یک متن کلاسیک مارکسیستی بگوید ما اثباتا چه میخواهیم. و اساسا همینطور هم باید باشد چونکه طبقه کارگر با اعتراض بقدرت میرسد و مبارزه انقلابی هم با اعتراض و اعتصاب و با نمیخواهیم

، و با گفتن نه به وضع موجود پیش میرود، و این حکم بطور کلی درست است و عین همین حکم است که در مبارزات جامعه ایران خودش را نشان میدهد حتی آنجایی که مردم دارند از سوسیالیسم صحبت میکنند و شعارهای سوسیالیستی سر میدهند.

بحث من اینست که سوسیالیسم اساسا شعارش و حرکتش نفی و نقد است. شما هم ببینید شعارهایی که هم اکنون در مبارزات مطرح میشود چه نوع شعارهایی هستند! اینها از نوع شعارهایی نیستند که بطور اثباتی در کتاب "نقد برنامه کوتا" ی مارکس گفته شده باشند که مثلا "از هرکس به اندازه توانش و به هرکس به اندازه نیازش". این نوع شعارهای اثباتی نیستند که در اعتراضات مطرح میشوند. اولین شعاری که در همین دوره اخیر مبارزات از طرف مردم طرح شد شعار "سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض" بود. این خیلی گویاست و مردم این را میگویند که سوسیالیسم پیا خیز تا تبعیض نباشد و علیه تبعیض دارند شعار میدهند و سوسیالیسم را رفع تبعیض معرفی میکنند. یا شعارهایی که بعدا دانشجویان دادند که گفتند "یا سوسیالیسم یا بربریت" که سوسیالیسم را در مقابل بربریت تعریف میکنند و نه گفتن به بربریت سوسیالیسم میشود، و یا شعار دیگری که دادند "سوسیالیسم تنها راه رهایی" که اینجا هم سوسیالیسم راه رهایی از شرایط موجود است و بر همین عنوان هم دارد در جامعه توده ای میشود. بحث من این نیست که سوسیالیسم را اثباتا به میان توده ها و بمیان اعتراضات ببریم! نه! اتفاقا بحثی که ما در این دوره در کنگره شش هم رویش انگشت گذاشتیم و در بحثهای ماقبل هم مطرح کرده بودیم این بود که مردم در جامعه اعتراضشان را دارند به زبان سوسیالیسم طرح میکنند لذا نقد سوسیالیستی به وضع موجود را باید مطرح کرد که نمونه اش را هم در بیانیه روز جهانی کودک دیدیم که بی حقوقی کودک را به نظام سرمایه داری مربوط میدانند و میگویند که این نظام وارونه باید تغییر کند. این یعنی باید نظام سرمایه داری را زیر و رو کرد تا کودکان آزاد شوند. من اینرا میگویم نقد سوسیالیستی بر

از میان سؤالات جلسه اینترنتی هفتگی حمید تقوایی

وضع موجود. و یا همانطوری که گفتم وقتی شعار میدهند سوسیالیسم برای رفع تبعیض در واقع سوسیالیسم را بعنوان نه به تبعیض و نابرابری مطرح میکنند. حتی خیلی از شعارهایی که در آنها کلمه سوسیالیسم صراحتاً نیامید به این معنی نفی ای مضمون و محتوای کاملاً چپ و سوسیالیستی دارند مانند شعاری که معلمان دادند: "معیشت، منزلت حق مسلم ماست" و یا شعار دیگری که گفتند "یک کره زمین یک انسان" و یا شعار "یک نژاد آنهم نژاد انسانی". اینها بروشنی شعارهای سوسیالیستی هستند آنهم در این دنیایی که سرمایه داری همه جا انسانها را به قوم ها و فرقه ها و مذاهب و نژاد و غیره تقسیم میکند و در همه جای دنیا صحبت از همین است، در جامعه ما مردم در بیانیه و در قطعنامه ها و در شعارهایشان میگویند یک کره زمین، یک انسان، و میگویند یک نژاد آنهم نژاد انسانی. این انعکاس اعتراض سوسیالیستی مردم به وضعیت موجود است. این اعتراض به قوم گرایی و مشخصاً به طرح فدرالیسم است که از طرف نیروهای ناسیونالیست و قوم گرا در ایران مطرح میشود. در همین شعار "یک کره زمین یک انسان" یک رگه قوی انترناسیونالیستی وجود دارد در اعتراض علیه قومی کردن جوامع بشر و علیه همین تقسیم بندی قومی، ملی، مذهبی این جوامع. من به این میگویم نقد و اعتراض سوسیالیستی. بنابر این نه تنها در شعارهایی که سوسیالیسم صریحاً طرح میشود بلکه در شعارها و مطالباتی که کلمه سوسیالیسم را عنوان نمیکند ولی بروشنی مضمون سوسیالیستی دارند، در همه آنها میبینید که جامعه دارد اعتراض را به زبان طبقه کارگر و با زبان سوسیالیسم در نقد وضع موجود مطرح میکند. این همان چیزی است که ما به آن گفته ایم "تعمیق نه مردم". خود منصور حکمت هم در بحث سلبی و اثباتی میگوید که "نه مردم باید تعمیق شود" و یک وظیفه ما اینست که این انتقاد را عمیق تر کنیم. باید تیشه به ریشه زده شود، و جامعه هم دارد به همین سمت حرکت میکند و ما هم داریم این را میبینیم.

سوسیالیسم را، و کلاً هر شعاری را بطور اثباتی بربید به دل یک اعتراض و مبارزه اشتباه بزرگی کرده اید، و فقط خودتان را طرد کرده اید و خودتان را منزوی میکنید و به همین معنی طرح مطالبات و شعارهای اثباتی در دل مبارزه و انقلاب سم است. اما طرح کردن شعار و خواست و سیاست و استراتژی سلبی و نقدی و اعتراضی به جامعه موجود - که اساساً سوسیالیسم هم همین است - به این عنوان نه تنها ضروری است که طرح شود بلکه تنها همین است که میتواند اعتراضی را بسرانجام برساند و انقلابی را پیروز کند. بجز سوسیالیسم و نقد سوسیالیستی نقد دیگری نیست و اعتراض دیگری نیست و پرچم دیگری هم نیست، که نه تنها آزادی کارگران بلکه حتی آزادی و رهایی زن را در جامعه ای مثل جامعه ایران متحقق کند، و حتی بتواند جلوی اعدامها را بگیرد و جلوی زندانی کردن فعالین سیاسی را بگیرد، برای آزادی بی قید و شرط بجنکد، و حتی سکولاریزاسیون و عملاً بتواند مذهب را از دولت جدا کند. این نقد و اعتراض سوسیالیستی است که در همه این عرصه ها میتواند مبارزه را پیروز کند. این بحث و نظر ماست. بنابراین جواب من خیلی خلاصه اینست که بله، انقلاب سلبی است، اما سوسیالیسم هم سلبی است. انقلاب یک حرکت اعتراضی و نفی است و سوسیالیسم هم یک شعار و پرچم نفی و اعتراضی است، و به همین خاطر هم کاملاً جا دارد که به میان مردم برود و باید هم توده ای شود، و حتی چه من و شما بخواهیم و چه نخواهیم دارد میروید و دارد توده ای میشود و ما میبینیم که مردم و یا عبارات دقیقتر پیشروان مبارزات مردم دارند صریحاً شعارهای سوسیالیستی میدهند و در بیانیه ها و قطعنامه هایشان سوسیالیسم را به عنوان نه وضعیت موجود مطرح میکنند. حزب ما این واقعیت را میبینید و بر آن اتکا میکند. ما معتقدیم بدون وجود و فعالیتهای حزب کمونیست کارگری امروز با چنین پدیده ای روبرو نبودیم و برای فرتر رفتن از این شرایط، برای پیشبرد و رهبری و سازماندهی جنبش سرنگونی و کلاً برای زیور رو کردن نظام سرمایه در ایران باید سوسیالیسم را بعنوان پرچم اعتراض به وضع موجود در سطح هر چه

وسیعتری در جامعه مطرح کرد و به میان مردم برد.

علیت سیاسی و مخفی کاری تشکیلاتی فعالین چپ در جنبش کارگری

موقعیت اپوزیسیون راست و چپ در جامعه

سهراب وفا: حمید تقوایی شما در صحبتهایتان نکته ای را گفتید که امیدوارم سوتفاهم نشود و شاید هم من به فهمیده ام. دوست دارم اینرا بیشتر توضیح بدهید تا برای شنوندگان روشن شود. شما گفتید که کارگران بصورت علنی نمیتوانند و باید تعلقات حزبی شان را اعلام کنند! مگر همین الان قرار بر این شده که اعضای حزب کمونیست کارگری در ایران بطور علنی کار کنند؟! حداقل من نمیانم و فکر نمیکنم اینجور باشد. آیا منظور شما این بود که اگر کارگری که طرفدار حزب باشد علنی بشود، آیا الان موقعی است که کارگر طرفدار حزب میتواند علنی بشود؟ تا آنجایی که من میدانم دستور کار حزب این نیست. لطفاً اینرا کمی روشن کنید تا سوتفاهمی برای شنوندگان نماند.

و اما در مورد بحث اصلی شما که به مبارزه صنفی و سیاسی مربوط بود. بنظر من الان حتی در جوامع دیگری مثل مصر و غیره هم اگر کارگران بپایند به خیابان و خواستهای صنفی شان را مطرح بکنند، از آنجایی که راه دیگری ندارند طبعاً به خواستهای سیاسی تبدیل میشود چرا که در جامعه ای که کارگر جنبش شورایی و مجامع عمومی و سندیکا و حزب نداشتند باشد بر سر هر خواسته ای سرکوب میشود، و در نتیجه همین خواسته های صنفی هم به سیاسی تبدیل میشوند. در ایران هم همینطور است که حتی اگر کارگران در اعتراضاتشان عنوان هم بکنند، که عنوان هم میکنند که مبارزه ما صنفی است و سیاسی نیست تا شاید از سیاسی بودن و سرکوب فاصله بگیرند ولی در عمل نمیتوانند، و خود برخورد رژیم و خود سرکوب است که آنرا سیاسی میکند. و اما سئوالم در رابطه با آنسوی قضیه است یعنی من در این سمت باشم موافقم که در مبارزات جامعه، جنبش

کارگری روی صحنه آمده است و برخلاف سال ۵۷ که جنبش دانشجویی بیشتر در صحنه بود الان بطور قیاسی هم اگر ببینیم نه تنها همه جنبشها بلکه عملیات طبقه کارگر است که در وسط میدان است و این روز بروز و علناً هم ثابت میشود که کارگر دارد بحثش را میکند، دارد نقدش را میکند و خواسته هایش را مطرح میکند. اکنون سئوال من اینطرف قضیه است که نقش کمونیستها و مشخصاً نقش حزب کمونیست کارگری باید چی باشد تا این جنبش رشد یافته را جلوتر ببرد؟ یعنی آن مشالهایی که شما از کارگران اروپا زدید که در بستر مبارزات خودشان به حداقل رفرفرم هایی دست یافته اند، چکار باید کرد که جنبش کارگری ایران به این قناعت نکند بلکه کل بیخ و بن سرمایه داری را بزند و یک جامعه سوسیالیستی را بیاورد؟

شما درست میگویید که بورژوازی کارهایی را که برای خنثی کردن این جنب و جوش کارگری و اجتماعی از قبیل مجلس موسسان و رفتارندم و غیره بمیدان آورده بود همگی با شکست مواجه شده، اما شما طوری میگویید که انگار دیگر بورژوازی به ته خطر رسیده و دیگر هیچ ترفند دیگری مثلاً کودتا و رفتارندم و غیره در چنته ندارد، و هیچ روش و راه حلهای دیگری انگار ندارد و کاملاً درمانده و مستاصل شده است! شما اگر جمهوری اسلامی را بگویید بله درست است، اما آیا کل بورژوازی دیگر کاملاً درمانده است؟ و آیا دیگر هیچ چیزی در چنته ندارد که کارگر را پشت سر خود ببرد؟ اجازه بدهید مثالی بزنم. همه میدانند که همین احمدی نژاد با کلاک و تقلب روی کار آمد اما اگر از همان بخش کوچکی هم که به او رای داده پیرسید، میگوید چون میخواست نان توی سفره ام بیاورد برایش رای دادم. میخواهم بگویم که کارگر چیز عجیب غریبی نیست، بر فرض خود من هم اگر کارگر باشم اگر ببینم مثل اروپا نان تو سفره ام است و آزادی نسبی دارم و زندگی انسانی دارم، خب، کاری ندارم و مبارزه برای چی بکنم! در نتیجه میخواهم بگویم که آیا فکر میکنید که تمام ترفندهای بورژوازی دیگر کور شده است و جنبش کارگری در صحنه مانده است؟

حمید تقوایی: بله، خیلی ممنون، سئوالهای خوبی مطرح کردید. در

این مورد که من گفتم که کارگران تعلقات حزبی شان را پنهان نکنند، روشن است که منظور این نبود حزب در ایران علنی بشود و همه اعضا و کادرها عضویشان در حزب را بطور علنی اعلام کنند. البته بی شک روزی به این نقطه خواهیم رسید اما همان طوری که خودتان هم گفتید امروز این سیاست ما نیست و صحبت من هم این نبود. ببینید من گفتم که کارگران از نظر سیاسی نزدیکی شان و گرایش شان به حزب را لازم نیست پنهان کنند. و این کار را قبلاً هم کرده اند. اینطور که یادم است مدتها قبل از اعتصاب کارگران واحد بود که کارگران نساجی سنج در یک اعتصاب و اعتراض مشخصی که آن موقع داشتند، پلیس رهبرانشان را خواسته بود و گفته بود که شما با حزب ارتباط دارید، و دلیلشان هم این بود که اخبار اعتصاب هنوز در هیچ جا منتشر نشده روی سایتهای حزب کمونیست کارگری است، و یا گفته بودند که گزارش مذاکراتی که با شما میکنیم چند ساعت بعد روی سایت حزب است. آنوقت جواب کارگران میداند چه بود؟ جواب کارگران این نبود که نه ما حزبی نیستیم، نه اینطور نیست، مبارزه ما صنفی است و غیره. جواب کارگران هیچکدام اینها نبود، جوابشان این بود که شما مطالبات ما را بدهید حزب هم اینها را منتشر نمیکند. این بود جواب آنها. خب، این جواب یعنی چه؟ این نوع برخورد بنظر من الگوئی پیش روی جنبش کارگری است. رهبر کارگری که دارد مذاکره میکند و یا حتی دستگیر شده و دارند از او بازجویی میکنند بجای اینکه بگویند من سیاسی نیستم، و بگویند من به این حزب مربوط نیستم، و یا ما اصلاً حزبی مبارزه نمیکنیم و ما صنفی هستیم، بجای این نوع جوابهای سنتی و تدافعی، یک جواب خیلی دقیق و سیاسی و روشنی میدهد بطوری که هم از نظر امنیتی نمیگوید که من حزبی هستم و عضو و کادر حزب هستم، و هم اینکه از آنطرف پوشش بی طرفی و حزب گریزی را بتن نمیکند بلکه میگویند که شما خواستهای ما را بدهید، حزب کمونیست کارگری هم منعکس نمیکند. معنی واقعی این جواب یعنی اینکه این حزب متعلق به ماست و دارد خواستهای ما را منعکس میکند. این اتفاق افتاده و

از میان سؤالات جلسه اینترتی هفتگی حمید تقوائی

هرروز هم دارد میافند و خیلی از فعالین هستند که این موقعیت را دارند که هم در خود جنبش کارگری شناخته شده اند و هم برای پلیس شناخته شده اند. بحث من این نیست که بیایند و بگویند که ما عضو و کادر و فلان رده تشکیلاتی حزب کمونیست کارگری هستیم، منظور من اصلا این نیست، ولی از طرفی حزب گریزی و بیطرفی و اینجور پوشش ها را هم باید کنار بگذاریم. میشود سیاسی و تعرضی برخورد کرد بی آنکه وارد تعلقات تشکیلاتی و سازمانی بشویم و یا از یک موضع دفاعی به حزب گریزی و سیاست گریزی بیافتیم. خود کارگران این کار را کرده اند و این کار باید الگوی ما باشد، و بنظر توازن قوا هم بدی هست که بشود این کار را کرد. صحبت من از اینکه تعلقات حزبی را پنهان نکنید در همین سطح است و نه اینکه رده تشکیلاتی تان را اعلام بکنید که این اساسا از نظر مبارزاتی هم زیاد معنی ندارد و جایی هم ندارد.

و اما در مورد اینکه میگویند که رژیم میگیرد و میزند و سرکوب میکند اینهم درست است. اما نکته اینست که این سرکوبها در پاسخ به یک مبارزه و چالش حکومت است که همانطوری که گفتیم الان از سطح مطالبات صنفی فراتر رفته و الان خیلی صریح و روشن یک تعرض سیاسی به حکومت است. کارگران در مبارزات هر روزه شان دارند بیانیتهای و شعارها و قطعنامه ها و اطلاعیه های سیاسی مطرح میکنند. اینها دیگر صریحا سیاسی است و نه اینکه بخواهیم با تحلیل و تفسیر بگویم که سیاسی است. در اول بحث هم گفتیم که در جامعه ایران هر مبارزه صنفی خواه ناخواه سیاسی میشود و تا حالا هم همینجور شده اما الان دیگر از آن فراتر رفته ایم. الان دیگر کارگران دارند سیاسی مبارزه میکنند و مستقیما شعارهای سیاسی میدهند.

و اما در مورد بورژوازی و اپوزیسیون بورژوازی آیا درمانده و مستاصل است یا نه. ببینید، ما نمیتوانیم کاسه داغ تر از آش بشویم. بورژوازی در ایران همین است که میبینید. اگر میتوانست رژیم را عوض کند تابحال کرده بود، اگر میتوانست کودتا کند کرده بود، و منظور من این نیست که در آینده

نمیتواند بلکه ما داریم امروز را صحبت میکنیم و در آینده هر اتفاقی ممکن است بیافتد. ممکن است کودتا بشود، ممکن است جنگ تحمیل کنند و ممکن است که بورژوازی بازهم پرچم فدرالیسم بلند کند و جامعه را تکه تکه کند و یا پرچم نافرمانی مدنی و فراندنم و غیره را بردارد. ما داریم امروز را صحبت میکنیم و امروز را با پنج سال و یا ده سال پیش مقایسه میکنیم، زمانی که نافرمانی مدنی و فدرالیسم بر رو برداشت و نقل محافل بود، و زمانی که شخصیتهای مطرح جامعه مربوط به اپوزیسیون بورژوازی بودند، حال چه دو خردادی و چه سلطنت طلب. آن دوره تمام شد، و اکنون بحث ما اینست که مبارزه جلو آمده و شخصیتهای کارگری جلوی صحنه آمده اند و حتی بعضا این شخصیتها جهانی هم شده اند. ما نگفتیم که راست شکست خورد و رفت بیرون، نه. بورژوازی نه به خانه میروند و نه از تلاش و کوشش کم میکنند، بلکه دارد کارش را میکند، اما عملا و در خیابان برحسب مبارزات روزمره، امروزه شکست خورده و عقب نشسته و حاشیه ای شده است. بنظر من فهمیدن این نکته نیاز به استدلال زیادی ندارد بلکه هرکس که واقعیات جنبش امروز را با دوره پرهیاهوی خاتمی مقایسه کند، و با پنج سال پیش و یا حتی سه سال پیش مقایسه کند متوجه میشود که جنبش کارگری بسیار جلو آمده، چه جلو آمده، و شعارهای سوسیالیستی جلو آمده است و راست هم کاملا منزوی شده است. من در سخنرانی کنگره شش هم گفتم که میگویند که شما غلو میکنید و اینطور هم که میگویند اینجور نیست، بلکه راست هم هست و شما دارید یکطرفه منعکس میکنید. منم میگویم که بسیار خوب، اگر چند طرفه منعکس کنیم و غلو هم نکنیم کدام گزارشها و کدام اخبار را سراغ دارید که سیاستها و سرودها و شعارهای راست را منعکس کند؟ آیا به ازای ده بار سرود انترناسیونال یکبار هم در یک گردهمایی و تجمعی سرود ای ایران خوانده شده؟ و اگر در تظاهراتها پشت سر هم میایند و میگویند "نه بمب نه جنگ، نه انرژی هسته ای نمیخواهیم" یک نفر هم به من نشان بدهد که در تظاهراتها و در یک

تجمعی مردم آمده و گفته باشند که "هر دولتی حق دارد که سلاح اتمی داشته باشد."؟ یعنی همانطوری که راست دارد میگوید، حتی بخشی از چه جامعه و نیروهای اپوزیسیون اینرا میگوید، اما در خیابان و در جنبش مردم چنین شعارهایی مطرح نیست. پس اینجور نیست که ما داریم یکطرفه میگوییم و غلو میکنیم بلکه واقعیت همین است. شما بروید و همه سایتها را بگردید و ببینید آیا عکسی پیدا میکنید که مثلا رویش نوشته باشند "زنده باد تمامیت ارضی" ولی ده ها عکس داریم که رویش نوشته "یا سوسیالیسم، یا بربریت" و یا نوشته "سوسیالیسم بپاخیز برای رفع تبعیض" و یا نوشته که "سوسیالیسم تنها راه رهایی" و یا "ما کار میکنیم که زندگی کنیم و زندگی نمیکنیم که کار کنیم"، و همه اینها شعارهای عمیقا چه و رادیکال و سوسیالیستی اند که دارند طرح میشوند، و یا میگویند که "این دنیای وارونه باید تغییر کند". اینها متن بیانیتهای و شعارها و قطعنامه ها و پلاکادهاست و شما دیگر چیزی از راست در اینها نمیبینید. خوب، یک جواب من همیشه این بوده که اساسا شیوه های راست این نیست. اگر جنبش کارگری چه شده و دیگر جایی برای دوخردادها نمانده است، این خودبخود به این معنی نیست که پیشروی چه تضمین شده است، نه، هیچ چیز تضمین شده ای نداریم و در آینده هم نخواهد بود. ما داریم امروز را صحبت میکنیم آنهم برای اینکه نکته قوتها را ببینیم تا بر آن متکی باشیم، و تا هرچه بیشتر راست را منزوی کنیم. راست میتواند از بالا کودتا کند، همیشه هم میتواند کودتا کند، اما مردم و کارگران هم میتوانند از پایین جوابش را بدهند و کودتا را خنثی کنند. پس اینطور نیست که راست کودتا بکند و جامعه هم تسلیم بشود!

و این که گفتید که توهمی که بخشی از مردم دارند چه میشود. همانطوری که خودتان هم اشاره کردید تعداد رایی که احمدی نژاد آورد، به این دلیل نبود که گویا بخاطر مستضعف پناهی اش به او رای دادند، بلکه هزار و یک کار تقلب و صندوق سازی و جعل و دوز و کلک جاری در انتخابات بوده، ولی حتی

گیریم که آن بخش ناچیز جامعه هم بخاطر نان در سفره داشتن رای داده بودند، اما آندوره هم دیگر تمام شده است. الان عکس احمدی نژاد را جلوی رویش آتش میزنند، و اینها هم فقط یکعده دانشجو نیستند و این یک اتفاق نیست و باصطلاح یک رعدی در آسمان بی ابر نیست بلکه این نشانه از اعتراض و تنفر عمیق مردم است که دانشجویان میتوانند جلوی روی احمدی نژاد عکسش را آتش بزنند و بگویند "برو گم شو" و رژیم هم غلط زیادی نتواند بکند، و نتوانست هم بکند. خوب، این نشان میدهد که این خواست در جامعه پایگاه دارد و این یک میل عمومی در جامعه است که دارد انعکاس داده میشود. احمدی نژاد بحث مستضعف پناهی را آورد، و مردم هم میبینند که بی کاری و گرانی و بدبختی دارد بیداد میکند، و هرچه هم که بیشتر از دوره انتخاب او به ریاست جمهوری میگردد که اکنون بالای دو سال شده است، مردم میبینند که نه تنها دزدی ها تمام نشده بلکه آقازاده ها سرچایشان هستند و روز بروز هم پروا تر میشوند و مردم هم روز بروز فقیرتر و بیچاره تر میشوند، و بهمین دلیل اعتراضات هم بیشتر شده و جامعه هم دارد اینها را میبیند و میفهمد. بنابراین من اصلا فکر نمیکنم که شرایط طوری شده باشد که مثلا راست با ادعا های مستضعف پناهی و آزادی پناهی و دموکراسی پناهی برود توی مردم و نفوذی هم برای خود دست و پا کند. آن دوره گذشت و خودشان هم تایید میکنند که گذشت. ببینید، جامعه از فراندن عبور کرده، و از فدرالیسم عبور کرده است. زمانیکه دانشجویان میگویند که "یک کره ارض، یک انسان"، در واقع دارند جواب سیاسی به فدرالیسم را میدهند و از قول جامعه دارند صحبت میکنند. بالاخره امروز آنها پیشروان جامعه هستند چراکه هنوز مردم حرکت نیافتاده اند، و فعلا آنها هستند که دارند میگویند، اما روشن است که وقتی فردا توده های مردم به حرکت در بیایند در همین جهت حرکت خواهند کرد. زمانیکه دانشجویان میگویند "یک کره زمین" و یا "یک نژاد آنهم نژاد انسانی" واقعا درد دل و حرف دل مردم را میزنند. اکثریت مردم اینجور فکر میکنند و بهمین خاطر هم هست که فدرالیسم محجور و حاشیه ای شده است، آیا نشده؟! آیا

شما در جایی شعارهایی دیده اید که نشانه از براه افتادن جنگ قومی در جامعه باشد؟ و در شهرها و استانها پرچم ملی گرای و تجزیه و قومی گرای بلند کرده باشند؟! بله، همه زورشان را زدند و منم نمیگویم که بورژوازی نمیخواهد، نه، حتما که میخواهد اینکار را بکند و با تمام امکاناتش هم تلاش میکند ولی در جامعه ما میبینیم که نقد رادیکال و چه و سوسیالیستی است که جا باز میکند. آیا این وضع عوض نمیشود؟ آیا ممکن است که عوض بشود؟ بله، اگر من و شما خوب نکوشیم و حزب کمونیست کارگری خوب کار نکند، و اگر به نیروهای چه همسایه خودمان بپیوندیم که میگوید هم راست شانس دارد و هم چه شانس دارد، و بد تر از آن میگوید که راست دست بالا را دارد! و اگر در جنبش تحلیلهای ولرم و نیم کلاج و میانجیگرانه ارائه بدیم آنوقت معلوم است که بجایی نمیرسیم. مشخصا این حزب ما است که پافشاری میکند. زمانی که جنبش سرنگونی دیگر آن چوب دستیهای دوخردادی خودش را کنار گذاشت، و استحاله و تغییرات تدریجی را کنار گذاشت، و از دوخرداد عبور کرد، ما آن را برسمیت شناختیم و گفتیم که جنبش سرنگونی دارد چه میشود و رادیکال میشود و به آن گفتیم جنبش انقلابی. امروز هم که گرایش سوسیالیستی از خودش نشان میدهد باید برسمیتش بشناسیم و با صدای بلند هم اعلامش کنیم. اینکه در جامعه راست وجود دارد معلوم است که هست. راست ممکن است کودتا کند، بله این روشن است که ممکن است کودتا هم بکند. راست ممکن است جامعه را به جنگ بکشاند، بله معلوم است که ممکن است بجنگ هم بکشاند، اما این بدین معنی نیست که بگویم که راست و چه در جنبش سرنگونی هر دو بییک اندازه شانس دارند! این همان تحلیل راست و غلطی است که ما در مقابلش قرار داریم و بدتر از آنهم اینکه میگویند راست دست بالاتری دارد! که اینرا همیشه همسایه های چه خودمان گفته اند و هنوز هم میگویند اما واقعیت از کنگره چهار تا حالا حقانیت خط ما را نشان داده که مدام پافشاری کرده و گفته ایم که جامعه مدام بچپ میچرخد و دارد بسمت سرنگونی رادیکال حکومت میروند.

دوازدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری در تاریخ های ۱۸ و ۱۹ اوت ۲۰۰۷ در شهر کلن آلمان برگزار شد.

کنفرانس با اعلام يك دقيقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و با پخش سرود انترناسیونال ساعت ۱ بعد از ظهر شروع شد. ابتدا حمید تقوایی لیبر حزب کمونیست کارگری ایران، در باره موقعیت ویژه حزب و اوضاع سیاسی ایران سخنرانی نمود. حمید تقوایی در این بخش در مورد گسترش مبارزات مردم در ایران و جنبه قوی بین المللی مبارزات کارگران و مردم در این اوضاع



صحبت کرد و نقش حزب کمونیست کارگری ایران و تشکیلات آلمان این حزب در اوضاع کنونی را بررسی کرد. سپس پیام خلیل کیوان دبیر تشکیلات خارج کشور توسط سیامک مکی قرائت شد. در ادامه محمد شکوهی دبیر کمیته آلمان حزب سخنرانی افتتاحیه دوازدهمین کنفرانس سالانه را با خوشامدگویی به حاضرین آغاز کرد.

بدنبال آن، کنفرانس وارد موضوعات دستور جلسه شد. در ابتدا آئین نامه کنفرانس و دستور جلسه پیشنهادی به کنفرانس مورد بحث قرار گرفت و به تصویب رسید. سپس دبیر کمیته، گزارش تشکیلات آلمان را که متن کتبی آن از قبل در اختیار اعضا قرار گرفته بود، را ارائه داد. شرکت کنندگان در کنفرانس فعالانه در مباحث شرکت نموده و اظهار نظر نمودند.

روز دوم کنفرانس از ساعت ۱۱ صبح یکشنبه شروع شد. موضوع بحث ارزیابی از کار و فعالیت های يك سال گذشته تشکیلات آلمان و بحث افق و دورنمای آتی کار و فعالیت بود. در این قسمت ابتدا دبیر کمیته به ارزیابی سیاسی و

از میان سؤالات جلسه اینترنتی هفتگی حمید تقوایی

است، ولی در عین حال اینهم درست است که از نظر سیاسی بورژوازی را مستاصل کرده ایم، که اینهم خودبخود اتفاق نیافتاده بلکه آلترناتیوهایش را يك بيك از میدان بدر کرده ایم و بشکست کشانده ایم. مگر نخواستند که از امثال گنجی و شیرین عبادی ها چهره بسازند؟ اما چرا چهره ها دارند میشوند محمود صالحی و شیث امانی و صدیق کریمی و جعفر عظیم زاده و اسانلو غیره و غیره؟ خب، این چهره ها را جنبش کارگری است که دارد ارائه میکند. چرا اول ماه مه اینقدر مهم شده؟ و چرا سرود انترناسیونال اینقدر خوانده میشود؟ و چرا ۸ مارس دیگر کاملا تثبیت شده و چرا حقوق کودک اینقدر در ایران موضوع سیاسی و يك موضع مهم سیاسی شده است و چه جامعه پرچمش را بلند کرده است؟ همه اینها یعنی اینکه راست در خیابانها نیست، و جنبش سرنگونی راست را مزوی و حاشیه ای کرده است. بله بورژوازی بزور میتواند از بالا جنگ راه بیاندازد و کودتا کند، بله همیشه هم میتواند کارش اینست و همیشه هم شانسی را دارد، ولی ما هم اینطرف معادله هستیم و خنثی میکنیم و اجازه نمیدهیم تا این کودتا ها پیروز شوند، و اجازه نمیدهیم که در ایران جنگ افروزی بشود، و اینهم بنا بر همت و عامل چپ و وزن و ثقل جنبش انقلابی چپ و جنبش کارگری در ایران بوده است که زمین را زیر پای بورژوازی داغ کرده است، و طرحهایش را یکی یکی خنثی کرده است. این يك واقعیت است و عینی است و باید برسمیتش شناخت، و اتفاقا برای اینکه بتوانیم در جلوی خطر بورژوازی درست قد علم کنیم باید این واقعیت را ببینیم. امیدوارم جواب تان روشن شده باشد. *

دوازدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران در ساعت ۵ بعدازظهر با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی به کار خود پایان داد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد آلمان

۲۹ مرداد ۱۳۸۶ ۲۰ اوت ۲۰۰۷

اجازه را نمیدهد و ما قطعاً میکوشیم و جلوش را میگیریم و میتوانیم هم بگیریم، و با دیدن نکته قوتها و با تکیه به آنها قطعاً میتوانیم چنین کنیم.

بهمین خاطر من در قبال سؤوال شما که میپرسید که آیا راست در مانده شده؟ میگویم بله، از نظر سیاسی در این مقطع جامعه در مانده شده است. حکومتش جمهوری اسلامی بیخ ریش اش مانده است و اگر میتوانست عوضش کند تابحال عوضش کرده بود. چرا نمیتواند کودتا کند؟ از چی میترسد؟ خب، قدرت چپ تری جامعه قوی است و معلوم است که بورژوازی به بن بست رسیده است. در واقع اینچور نیست که بگویم فقط جمهوری اسلامی به بن بست رسیده ولی اپوزیسیون بورژوازی هنوز پروپا دارد و کلی آلترناتیو دارد و آینده را رقم میزند! نه، اینطور نیست و این امکان برای بورژوازی اپوزیسیون نیست بلکه بن بست است. شما اگر آمریکا را عمیق بنگرید میبینید که خود آمریکا جمهوری اسلامی را، هم میخواهد بیاندازد و هم میخواهد نگاهدارد، هم میخواهد حمله کند و هم حمله نکند. در واقع گیر کرده و مستاصل هستند. در رابطه با ایران، جمهوری اسلامی معضل آمریکا است و در عین حال کاری هم نمیتواند بکند. بخش اعظم بورژوازی لس آنجلس نشین در عین حال که حکومت را قبول ندارد در عین حال کاری هم نمیتواند بکند. خب، با اینحساب آیا میشود گفت که بورژوازی در ایران مستاصل است؟! اما این حکم به این معنی نیست که چنین برداشت کنیم که پیروزی خودبخودی است. اینرا هیچکس نگفته است، و آیا به این معنی است که راست نمیتواند کودتا کند؟ اینرا هم هیچکس نگفته است، آیا نمیتواند جنگ راه بیاندازد؟ اینرا هم هیچکس نگفته

جلسه انتخابات برای هیات اجرایی کمیته آلمان برگزار شد و رفقا محمد آسنگران، سیامک مکی، نازنین برومند، شهناز مرتب، مجید اصلی، مهین درویش روحانی، داریوش بیگی، سعید اصلی و مهدی عدالت فام را برای عضویت در هیات اجرایی انتخاب نمود. بدین ترتیب با احتساب دبیر و خزانه دار جمعا ۱۱ نفر بعنوان هیئت اجرایی انتخاب شدند.

حزب ما بوده که بطور مدام کنگره به کنگره و پلنوم به پلنوم همین خط را نمایندگی کرده و پرچمش را بلند کرده است، و از آنجاییکه این کار را کرده است نتیجه اش هم الان میبینیم که گسترش سیاستهای چپ در جنبشهای اعتراضی است. اینها یعنی اینکه جامعه و حزب بر یکدیگرتاثیرات متقابل دارند، بطوری که هم حزب نقش موثری بازی کرده و هم واقعیات جامعه به کمک حزب آمده است، و اینهم حقانیت و تحلیلهای واقع بینانه حزب را در جامعه نشان میدهد. بنابراین هر نوع تحلیل عمومی که بگوید هم راست است و هم چپ است که شانس دارد، و چنین حرفهای کلی و بی خاصیتی در جامعه ایران بیمعنی است. بله هم راست در جامعه است و هم چپ، ولی موقعیت چپ را ببینید و حکم اعتراضات کارگری و اعتراضات زنان و اعتراضات معلمان و اعتراضات دانشجویی و اعتراضات مدافعین کودک را ببینید، و از طرفی هم موقعیت راست را ببینید و شعارها و خواستهای آن را ببینید، و اگر اینرا هم ببینید که چه همواره دارد هزمونی بدست میآورد، و در مبارزه دارد دست بالا پیدا میکند، آنوقت میفهمید که جنبش سرنگونی دیگر به يك جنبش انقلابی تبدیل شده است. اگر راست میتواند دست بالا داشته باشد، صرفا با کوبیدن این جنبش باید بتواند دست بالا پیدا کند، وگرنه دیگر صرفا روی توهمات مردم نمیتواند دست بالا پیدا کند. در دوره کنونی جامعه ما بخوبی نشان داده ایم که چنین نیست و با وجود حزب کمونیست کارگری نمیتواند هم چنین بشود. باید حزب را بکوبد و باید چپ را بکوبد و باید خون بپا کند، وگرنه راست نمیتواند قدرت خود را تثبیت کند، و ما این اجازه را نمیدهیم، جامعه هم این

داریوش بیگی، ایرج فرجاد، مجید اصلی، مهدی عدالت فام، سعید اصلی، حسن آقایی، حیدر گویلی، سهیلا کیانی و حبیب نصوحی را بعنوان اعضا کمیته آلمان انتخاب کرد.

بلافاصله پس از کنفرانس جلسه کمیته منتخب کنفرانس برگزار شد. در این جلسه محمد شکوهی و مهین کوشا به ترتیب به عنوان دبیر کمیته و خزانه دار انتخاب شدند. در ادامه

جورج بوش و سپاه پاسداران



ناصر اصغری

دولت جورج بوش روز ۱۴ اوت ۲۰۰۷، سپاه پاسداران را يك جریان تروریستی خارجی نام برد که به او اجازه هدف قرار دادن اموال و دارائی‌های آن را می‌دهد. دلیل اصلی برای این عمل، دخالت سپاه پاسداران در عراق، افغانستان و کشورهای خاورمیانه، و بازیگر اصلی بودن این نیرو در عدم ثبات سیاسی این کشورها اعلام شده است.

حیاتش بارها و بارها دوستان دور و نزدیک جورج بوش پدر و پسر زیر بغلش را گرفته و نجاتش داده‌اند. برای جورج بوش "تروریست" خطاب کردن نیروی چیزی جز راه نیا مدن با او نیست. می‌خواهد در کشورهای نامبرده لات و لوطهانی مثل سپاه پاسداران اما به میل خود سر کار بیاورد، اما با سنگ اندازی وحشی‌های دیگری روبرو شده است.

این هیچ ربطی نه به مردم ایران و عراق و خاورمیانه دارد و نه ربطی به مردم آمریکا که گویا جورج بوش برای منافع آن‌ها به آنجا رفته است! بعد از نزدیک به سه دهه شنیدن چنین چیزی از دهان جورج بوش، فقط تنفر آدمی را از او بیشتر می‌کند. اینها تا زمانی که با نیروی مشکلی نداشته باشند، مهم نیست که آن نیرو چه بلای سر مردم آن کشور آورده باشد و یا در حال آوردن باشد. آنچه که برای جورج بوش، کسی که از پاسداری چون احمدی‌نژاد کمتر منفور نیست مهم است، جایگاه يك نیرو در رابطه با سیاست‌های آمریکاست. این رابطه همان قدر غیرانسانی و قرون وسطائی است که رابطه پاسداران با جنبش‌های اعتراضی در ایران.*

از صفحه ۱ اینجا جلوی چشم ...

توانسته‌اند! شواهد نشان میدهد مردم ایران در عزم خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی مصمم‌تر میشوند و از طرف دیگر توجه مردم جهان به مبارزه عظیم و عادلانه مردم ایران بیش از پیش جلب میشود. تظاهرات جهانی ۹ اوت برای آزادی محمود صالحی و اسانلو که به فراخوان سازمانهای کارگری جهانی و جریانات سیاسی چپ ایران در بیش از ۳۰ شهر جهان در برابر سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی برپا شد، و برپایی اعتراضات بین المللی توسط نهادهای گوناگون علیه اعدام در ایران، جلوه‌ای از این گسترش همبستگی جهانی با مردم

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در مقابل این موج جدید سرکوب و اعدام و توحش حکومت اسلامی می‌ایستد و همه مردم آزادخواه در سراسر جهان را به حمایت هرچه فعالتر و وسیعتر از مردم ایران فرامیخواند. مردم ایران، کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و جوانان که هر روز با رژیم آپارتاید جنسی،

کمپین علیه موج اعدام‌ها در ایران ادامه دارد! ملاقات با نماینده پارلمان سوئد!

بیرگیتا مبتکر يك نامه اعتراضی به اعدام‌ها در ایران باشد و این نامه را به امضاء تعداد هرچه بیشتر از نمایندگان پارلمان سوئد برساند.

برای دیدن آن باز نمی‌کنند. بیرگیتا اولسون توضیح داد که با نگرانی اخبار اعدام‌ها در ایران را دنبال می‌کند. همچنین در پی

در ادامه این کمپین مشترک کمیته بین المللی علیه اعدام و جامعه بین المللی حقوق بشر، روز جمعه ۱۷ اوت، نمایندگان کمیته بین المللی و



همچنین مشترکا تصمیم گرفته شد که در روز ۱۰ اکتبر، روز جهانی علیه اعدام يك سمینار در رابطه با اعدام‌ها و نقض حقوق بشر در ایران با همکاری مرکز بین المللی آزاد سوئد و امنستیتی استکهلم، در پارلمان سوئد برگزار کنیم.

کمپین علیه اعدام‌ها در ایران را باید گسترش دهیم. باید مانع جنایات بیشتر حکام جنایتکار در ایران شویم. برنامه‌های مختلفی نظیر ملاقات با نهادهای سازمانهای مدافع حقوق بشر، برگزاری میزهای اطلاعاتی و جمع آوری امضا و همچنین تظاهرات در کشورهای مختلف از جمله در کانادا، فرانسه، انگلستان و آلمان در دستور فعالین این کمپین میباشد. در اطلاعیه‌های بعدی گزارش آنها منتشر خواهد شد. به کمپین مبارزه علیه اعدام‌ها در ایران بپیوندید!

کمیته بین المللی علیه اعدام
www.adpi.net

تماس‌هایی که پیا اطمینانی در طی تعطیلات تابستانی با وی گرفته است، بیرگیتا از وزیر امور خارجه سوئد کارل بیلد رسماً و کتبا درباره عکس العمل دولت سوئد سؤال کرده است که کارل بیلد در جوابیه خود از گسترش اعدام‌ها در ایران اظهار نگرانی کرده است و نوشته است که در اروپا بحث هست که چگونه به دولت ایران برای توقف اعدام‌ها فشار آورده شود. بیرگیتا در این رابطه به استقبال نمایندگان پارلمان سوئد از کمپین برای توقف اعدام کودکان در ایران اشاره کرد و گفت وقتی بیش از ۱۰۰ نفر از نمایندگان پارلمان پیتیش کمپین را امضاء می‌کنند به این معنی است که يك گرایش قوی علیه اعدام در ایران در بین نمایندگان پارلمان سوئد هست و به نظر من دولت سوئد و به ویژه وزرات امور خارجه سوئد باید به این امر توجه کند.

در ادامه جلسه قرار شد که

کمپین دفاع از حقوق زنان دراستکهلم با بیرگیتا اولسون نماینده حزب لیبرال مردم در پارلمان سوئد و عضو کمیسیون حقوق بشر پارلمان سوئد دیدار و درباره موج اعدام‌های اخیر در ایران و راه‌های مقابله با آن، گفتگو کردند.

پیا اطمینانی، ستار ناقدی و منوچهر ماسوری، ضمن ارائه آخرین آمار و اخبار اعدام‌ها، شرایط زندانیان سیاسی، زنان محکوم به اعدام را تشریح کردند و نگرانی زندانیان، مردم و خویشان را از روند گسترش اعدام‌ها اعلام نمودند. نمایندگان کمیته و کمپین، هدف جمهوری اسلامی از گسترش اعدام‌ها بطور علنی در میادین شهرها که همانا سرکوب و جنبش اعتراضی، جوانان، زنان، دانشجویان، معلمان و کارگران است را توضیح دادند و تاکید کردند که این چهره واقعی جمهوری اسلامی است که بعضی از دولتهای اروپایی چشمان خود را

ابتکاری در محل کار و دانشگاه و مدرسه و شهر خود و بویژه در برابر سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی برپا دارید و اعلام کنید که از تلاش مردم ایران برای رهایی از شر حکومت آدمکشان حمایت میکنید. مردم ایران با چنین حمایت وسیع و بین المللی از سوی شما مردم آزادخواه جهان، پشتگرمی بیشتری پیدا خواهند کرد، خود را در برابر رژیم اسلامی قدرتمندتر خواهند دید، این رژیم را به عقب خواهند راند و سرانجام خود و جهان را از شر آن رها خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ مرداد ۱۳۸۶ - ۱۶ اوت ۲۰۰۷

مترقی، نیروهای اپوزیسیون و ایرانیان مقیم خارج کشور، افکار عمومی جهان را با تمام قوا علیه رژیم اسلامی و در حمایت از مردم ایران بسیج کند. به هر وسیله که میتوانید علیه موج اعدام و ارباب در ایران اعتراض کنید. دولت‌ها را تحت فشار دهید تا علیه جنایات جمهوری اسلامی رسماً و علناً اعتراض کنند. در تجمعات اعتراضی علیه جمهوری اسلامی شرکت کنید، به سران جمهوری اسلامی و مراجع بین المللی نامه‌های دسته جمعی بنویسید و خواهان توقف فوری اعدام‌ها و سرکوبها شوید. اجتماعات و اعتراضات

رژیم اعدام و زندان، رژیم تحمیل فقر مطلق به تمام کارگران و اکثریت مردم ایران در نبردند، به کمک و حمایت گسترده تر شما نیاز دارند. باید دنیا علیه سران جانی حکومت اسلامی به حرکت درآید و آنها را سر جای خود بنشانند. ما اطمینان داریم با کمک شما میتوانیم موج جدید اعدام و سرکوب در ایران را متوقف کنیم و هجوم تازه اوپاش حکومت به مردم ایران را در هم شکنیم.

حزب کمونیست کارگری به نمایندگی از طرف کارگران و مردم ایران مصمم است تا در همکاری با اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای مدافع حقوق زنان و دیگر نهادهای